

شانویہ کی ژنانہ؟

کوشہ تابیہت

## یان به شداری ڙن له شانوٽدا؟



(بھی جو ارم و کوتا ہی)

تری ثورهوربا گاهشی سمندودو  
له واتنه به گرتوهه کانی ٿمربیکا  
زورترین دهنگ نازاره ای ڏنانه  
سمری هدتاً به هوئی جیاوازی  
دهنگ گاهنیزی نیوان ڏنانی ره ش  
پیست و ڏنانی سپ پیست نم  
بجزونهوه دهنگ هله لبرینه  
به دردام بوجه دهندگانه همه ده  
بوواری شانددا رهنگ دایه ووه ،  
ڏنانی رهش پیست له ولیامتنی  
لؤس ٿنجالس و  
پلایتھیه گرتوهه کانی ٿمربیکا  
چندھا فیستیفال سالانه  
ڏنانهيان له پُرچ ۸۵ مارسدا  
اسازدا ، جگه له پمیدا بیوون و  
دامامزنانه دیهمها گروب ، و  
تیبی شانوی ڏنانه له پیننا  
داکوکیکن له ماھه کانیان ،  
شیدی له دوای ٿمبسنوه  
(پیرنارداشون بیله دووههم  
ووه بشداری کردني ڏنان له  
شالودا توماری یکمین ٿمہمش  
بوخوی هولوکی به دردام بوجه  
له همندی کاشندا له سمرتھا  
سر هه لدانه وه پیاوون بُولی  
ڏنانیان بینو تهناشت له  
زورینه هم و شوئنائی که  
شانو سمرهنا سریمه لداوه هم  
بمشیوچه بوجه بهلام خوش  
بهختانه تا رادیهک هاشتی ڏنان  
له بشداری کردنیان له شانددا  
به براور له گهن شانوکانی  
دونیا سمرباری هم و بارو  
دؤخهش لای نیمه ٹاسان تر  
بوجه جونکه بهشیکن زوری  
شانوکارهکان خوشک یان کچ یان  
هاوسه ری خویان هینا و هته نیو  
په گهزری ڏنانه ، ٿمہ جگه له

پاسیں سو ساری تر لئے  
بواردا ودک شاعیری ٹیسپانی  
لورکا . هر بؤیه ئەگھر  
سەیریکى شانۋى كورديمان  
بكمين لەم رووهە زۇر ھەزارەو

## روقل و گرنگی رهخنهو سيميناره كان له فيستيفاله شانوييه كاندا



از میمه محمد جهزا

A portrait of a man with a beard and mustache, wearing a dark jacket over a light-colored shirt. He has his hands clasped near his chin. The background is a plain, light color.

لهم روده وه مؤمنویت رو خواه  
تبیکمین و زبانین نموده  
الله برادرود و برواده چی بوده  
نمودی رو و داده لمیستادی چیه  
پیوسته همومناواره داکان  
گایدین بی خوشنده هم  
دؤخ به یگر بخین و زمانان  
بگیرنکهنه و خوانم بدور  
بگرین له و شیوانه هی که همندین  
هندگار له شارستانیت دور و مان  
دخدمنده و امدادکن نهندگی  
تر ماله بنی سفیده کاه شانو  
تاریک و تیریکت بکن و  
بریزه و راسته قنه مرغ آشنه که  
خوی دوروی بخمنده . چونکه  
نمودی زانواره دمکوتیت  
داشیمه کان بیورگران و بینه داش  
دیختی بیرسن نایا لمیشانی  
نیمه مدآشیمه کانی شانو بکی  
و لمکوی کی؟  
کات خوی نینه بیرسن باش  
اوایلیان در خیریت بدموی  
برور و بکمهده است روشنیان  
با پیشنهادی کار شاویکیده  
ای با پدره هم هاتون پیوسته  
بیست و سی کاهنیکش دست بدین بی  
منیک ام و سرجاراوه ای کله  
تردا دستیان  
پیشنهادیه برایه همیه و  
بهر جسته، و بیرونیان همیه  
که همیه و درگرد و دگ  
اده دکوت و ملدوزین  
ایلکی جانی لام کاتمدا لمیشان  
در گزندیه ناشی هوشیاری  
و هرگرانی شاندا  
پیشنهادی همیه و درگرانی کاه شاندا  
تاریک و تیریکت بکن و  
سردارستانیت زیاری و همه  
مرهه اند و توندو تویی دکاتشو  
سردارستانیت شارستانی  
و ملهه لایه کاه بشیکه و درگرو  
دھر خیریت بدموی

چاپکراوه  
شانڈے کامان



رازی شانوکاریک  
یاسین قادر به رزنجه

نه خشاند و دوای حفظتیه کان خودی شاونکاران و نوسوانی تر به نویسین و ورقگیرانی خزمتیکی باشیان به جوانانه شاونیمه که شارو شارو چک-کانی کوستانت کرده و نیزی تا وکو نهاده نویسین و ورقگیران به بود رکانی نماینند شاونیمه که ایندیده بدره دوامه .

در گاهیه کانی چاب و ملاوکرندمه باهی خی تایبیتیان بهم هونهده باهی داده و نهادنی بگردندمه نهاد چلیکارانه سودنیکی باشیان به شاونکار خاونن پهیامه کان و ماموتیان و چونکنگانی بواره که ایندیده .

به اتم نهفسوسن چند سالیکه زنجه دیه کی بههاداری و دک تنشت شاونی چهانی مزگکی شاراس راگه اوارو لمیم دروشه داریگیریکشان همراهو گفراری (شاونی) تبی شاونی سالارو (شکار) ی سهمنگلکاری هونهمندان و گفراری (شاونکار) ی تبی شاونی شمزموونگری کمک لوک که کارخاون ، که خزمتیکی بمرجاویان به رقتیبری شاونی و بزافه شاونیمه که دگگاراند .

چاپکاراونکان بدره هم مدیست له لازگار و کانی کتیب و گفاراوی ایهتی شاونی ، یان لهو جوزه لامه تانه هونهده شاون لورگیر درگیر در اووه .

هه سیه کانی سدهه رابرد و دوهه ، مگامل درگرکوتی نهاده هونهده ردا شاونی کوهمل کوردو رایدا ، تیکسته هه کوهمل همیزدی نهمه رو جهند سالانی بینچانکان لمگان کشکرنی برازگه کمادا .

چاپکاراونکان بدره هم مدیسته گرنگه نهاده شاونی زیارتیان

**دیکوری جوڑا و دیکوری نہ جوڑا و (جیگیر)**

۱۰۷

پاشی یاه کم  
بیلی نه زموون و قوتابی ( تید )  
به جسته دکریت ، هرجی لای  
شیوه کاریبه تمنه روانگیه کی  
سوی ( سینگر افایا ) به بالمانی گریمان کراود ، دواتر کهرسته  
ماشیش دادنریت ، یان هاویشه له شیوه کاری و پلاستیکیه تی تابلز  
ماشیش دادنریت ، یان هاویشه له شیوه کاری و پلاستیکیه تی تابلز  
کمل دهرهنانی شانویی . هملته همان کهرسته و پلاستیکیه تی  
بیکوریش به بمشی سدرکی و دیکنیزی .  
ترنگی بینیگراییا دادنریت . رنگه تمگر رؤان درینتیر ریخستنی  
بیدبر نهودی بمکونتی یمکمه می بشکاتی همایش بیت و گریانیان  
بینهر لامکن دیکنری بیکنری بیت له یمکنه کیه بمکنروده ، بو  
ماشنه کیتت یان لعیبر نهارکه بدهمهنانی ستانتیکا و گهاندنی  
ترنگه کانی بدیکوزی شانویی و هونه زیه که ،  
دیساپرکردن شوتن کات - شنوکات ناجاره دست و وران  
برروستکردن کشش گشتنی و کشمی همه ده و روکردیه کانی کارده  
سایپایت به دههنانی ستانتیکا  
بیکات و آتا بدانگایت لمهمه شیوه  
هر جسته کردن بیروکه و ستایل و بارسته و هیل و درنگ ( ج )  
و هست . هملته نهانه هممو و لدمدزینی بدیکوز یان ووناکی و جول  
و پهگر ، خمی میباشی روونکی دکریت .  
و پهگر ، خمی سدرکی گونجانیان

نهنگه سادترین ایشانویسی را در این متن می‌توانید مشاهده کنید که از هر کلمه ممکن است چند معنی داشته باشد. مثلاً کلمه «نمایش» در این متن بمعنی «نمایشگاهی» است، اما در آنکه «نمایشگاهی» را در معرفت انسانی می‌دانیم، آنرا بمعنی «نمایشگاهی انسانی» می‌شناسیم. این متن می‌تواند در مورد نمایشگاهی انسانی تأثیرگذار باشد، اما در مورد نمایشگاهی ایجاد شده برای این انسانی نیز تأثیرگذار باشد. این متن می‌تواند در مورد نمایشگاهی انسانی تأثیرگذار باشد، اما در مورد نمایشگاهی ایجاد شده برای این انسانی نیز تأثیرگذار باشد.

پهیکه رئاسا بهته واوی رده هند دکانی